ماجرای جنجالی خیابان سنایی و مسئولیت اجتماعی چهره‌های مشهور

مردم، سلبریتی را قبل از فرار تحویل پلیس دادند

گزارش یک | حسین فصیحی

حادثه شامگاه جمعه در خیابان سنایی تهران، با انتشار تصاویر حضور سعید روستایی، کارگردان شناخته‌شده سینمای ایران در کنار مأموران پلیس به یکی از بحث‌های داغ شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد. روایت شاهدان از برخورد یک خودروی پرادو با چند خودرو و تلاش سعید روستایی برای فرار از محل حادثه حکایت دارد. ماجرایی که با دخالت شهروندان و ورود پلیس همراه شد. فارغ از جزئیات روشن نشده این پرونده، اتفاق خیابان سنایی بار دیگر پرسش مهمی را درباره مسئولیت اجتماعی چهره‌های مشهور و ضرورت یکسان بودن قانون برای همه شهروندان مطرح کرده است.



شامگاه جمعه ششم آذرماه، خیابان سنایی تهران شاهد حادثه‌ای بود که خیلی زود از محدوده یک تصادف رانندگی فراتر رفت و به سوژه‌ای پربازدید در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد. انتشار تصاویر و فیلم‌های مربوط به یک دستگاه خودروی پرادو و حضور سعید روستایی در محل، توجه کاربران را به خود جلب کرد. نام کارگردانی که با فیلم‌هایی همچون «ابد و یک روز» و «متری شش و نیم» شناخته می‌شود، ناگهان در کنار روایت‌هایی از یک حادثه رانندگی و تلاش برای فرار از محل تصادف قرار گرفت.

روایت شاهدان

براساس فیلم‌های منتشر شده یکی از شاهدان می‌گوید هنگام وقوع ماجرا، همراه خانواده در یک رستوران مشغول صرف غذا بوده که صدای هیاهو و برخورد خودروها، حاضران را به خیابان کشانده است. به گفته این شاهد، یک دستگاه خودروی پرادو تلاش داشت با سرعت از محل دور شود. راننده وارد کوچه‌ای یک‌طرفه شد که مسیر حرکت خودروها از سمت مقابل بود. خودرویی که از روبه‌رو می‌آمد، اجازه عبور به پرادو را نمی‌داد، اما راننده همچنان تلاش می‌کرد مسیر خود را باز کند. در ادامه، خودروهایی که در تعقیب پرادو بودند به آن نزدیک شدند. شاهد مدعی است راننده حتی با حرکت دنده‌عقب و برخورد با خودروهای دیگر تلاش می‌کرد راهی برای خروج از محدوده پیدا کند، اما حضور و مداخله شهروندان مانع ادامه حرکت خودرو شد.

یکی دیگر از حاضران از حضور کودک خردسال در خودروی پرادو خبر داده و گفته است کودک از اتفاقات پیش‌آمده به‌شدت ترسیده بود. در روایت‌های منتشرشده همچنین ادعا شده راننده برای شناخته نشدن، پوششی روی سر خود قرار داده بود و تلاش می‌کرد از مقابل دوربین تلفن همراه شهروندان دور بماند.

شاهد دیگری که تصاویر حادثه را منتشر کرده، می‌گوید در لحظات نخست تصور می‌کرده با یک صحنه فیلمبرداری روبه‌رو شده است. نام سعید روستایی میان حاضران دهان‌به‌دهان می‌چرخید و بسیاری از افراد باور نمی‌کردند چهره شناخته‌شده سینما در چنین موقعیتی قرار گرفته باشد.

البته این روایت‌ها، اظهارات شاهدان و تصاویر منتشرشده در فضای مجازی هستند و برای تعیین دقیق چگونگی تصادف، تعداد خودروهای آسیب‌دیده و علت رفتار راننده باید به نتایج بررسی‌های رسمی استناد کرد.

واکنش شهروندان

یکی از نکات قابل توجه در این ماجرا، واکنش شهروندانی است که به گفته شاهدان، مانع دور شدن خودرو از محل حادثه شدند و موضوع را به پلیس اطلاع دادند. در چنین شرایطی، مسئولیت شهروندان در برابر حوادثی که امنیت و جان دیگران را تهدید می‌کند، اهمیت پیدا می‌کند. اگر راننده‌ای پس از تصادف به جای توقف، بررسی وضعیت آسیب‌دیدگان و پاسخ‌گویی تلاش کند از محل دور شود، امکان دارد رسیدگی به حادثه دشوارتر شود و حتی جان افراد دیگری در معرض خطر قرار گیرد.

ماجرای بازداشت

پس از انتشار تصاویر حادثه که با حضور پلیس همراه است، گزارش‌هایی درباره بازداشت سعید روستایی و انتقال او به مرجع قضایی منتشر شد. برخی رسانه‌ها به نقل از منابع خود از تشکیل پرونده و تحویل وی به دادسرا خبر دادند. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران به «جوان» گفت که روستایی بعد از بازداشت راهی دادسرا شده است. در مقابل، سعید روستایی با انتشار چند استوری در صفحه شخصی خود، خبر بازداشتش را تکذیب کرد و با انتشار تصویری نوشت: «بیایید شایعه نکنیم!» همچنین برخی روایت‌های فضای مجازی درباره غیرطبیعی بودن وضعیت راننده و احتمال مصرف مواد یا مشروبات الکلی مطرح شده است، ادعاهایی که بدون اعلام نتیجه آزمایش یا گزارش رسمی، نمی‌توان آنها را مبنای قضاوت قرار داد.

آیا شهرت، مسئولیت بیشتری به همراه دارد؟

حادثه خیابان سنایی صرف‌نظر از نتیجه رسیدگی قضایی، یک موضوع اجتماعی مهم را پیش‌روی افکار عمومی قرار داده است؛ آیا چهره‌های شناخته‌شده جامعه در قبال رفتار خود مسئولیت بیشتری دارند؟ واقعیت این است که شهرت، امتیازی اجتماعی است که در کنار فرصت‌ها و امکانات بیشتر، مسئولیت‌هایی نیز به همراه دارد. بازیگر، ورزشکار، کارگردان یا هر فرد شناخته‌شده دیگری به دلیل ارتباط گسترده با مخاطبان، الگوی رفتاری بخشی از جامعه محسوب می‌شود. این موضوع به معنای آن نیست که افراد مشهور باید از حقوق شهروندی متفاوتی برخوردار باشند یا در برابر آنان سخت‌گیری خارج از قانون صورت گیرد. اتفاقاً اصل مهم برابری در برابر قانون است، همان قانونی که باید درباره شهروند عادی، فرد صاحب‌نام و چهره مشهور به یک شکل اجرا شود.

اگر یک راننده عادی در خیابانی شلوغ با چند خودرو برخورد کند و پس از آن برای ترک محل حادثه تلاش کند، افکار عمومی از پلیس انتظار دارد موضوع را بررسی کند، راننده را شناسایی کند و نتیجه رسیدگی را اعلام کند. همین انتظار درباره یک هنرمند مشهور نیز وجود دارد. شهرت نباید سپر مصونیت باشد و در عین حال، نباید بهانه‌ای برای محکوم کردن پیشاپیش افراد شود. شاید مهم‌ترین پیام اجتماعی حادثه خیابان سنایی، تغییر زاویه نگاه مردم به چهره‌های مشهور باشد. شهروندانی که در شرایط عادی ممکن است برای گرفتن عکس یادگاری یا امضای یک هنرمند دور او جمع شوند، در موقعیتی دیگر ممکن است برای جلوگیری از یک رفتار پرخطر او را تعقیب کرده و تحویل پلیس دهند. این تغییر رفتار، بیش از آنکه به شهرت یک شخص مربوط باشد، به انتظاری عمومی درباره مسئولیت‌پذیری بازمی‌گردد. مردم از چهره‌های شناخته‌شده انتظار دارند همان اصولی را رعایت کنند که از دیگران مطالبه می‌کنند.

واکنش دیرهنگام روستایی

در ادامه این ماجرا، سعید روستایی در گفت‌وگو با ایسنا، با رد روایت‌های منتشرشده درباره حادثه، گفت که جمعه‌شب ششم آذرماه، در حالی که به کاملاً هوشیار بوده، خودرویی از پشت با ماشینش برخورد کرده و پس از پیاده شدن، راننده به سمت او هجوم برده و به او آسیب جسمی وارد شده کرده است. روستایی مدعی شد در جریان این درگیری، فردی از سمت دیگر خودرو کوله‌پشتی و لپ‌تاپش را سرقت کرده و با موتورسیکلت گریخته است. او گفت برای تعقیب موتوری سوار خودرو شده، اما ماشین دیگری مانع حرکتش شده و در جریان عقب و جلو کردن خودروها، برخورد دیگری رخ داده است. این کارگردان همچنین ادعای تلاش برای فرار از محل حادثه را رد کرد و گفت که ماجرا در گزارش کلانتری ثبت شده و برای پیگیری قضایی به همراه همراهانش به دادسرا مراجعه کرده است. روستایی از انتشار ویدئو همراه با توضیحاتی که آنها را نادرست دانست، انتقاد کرد و گفت، شماری از افراد حاضر در تصویر از دوستانش بوده‌اند.

ضرورت شفافیت در اطلاع‌رسانی

در چنین پرونده‌هایی، سکوت یا اطلاع‌رسانی ناقص می‌تواند زمینه شکل‌گیری روایت‌های متناقض را فراهم کند. وقتی تصاویر یک حادثه در مدت کوتاهی میلیون‌ها بار دیده می‌شود، نبود توضیح روشن از سوی مراجع مسئول، فضای مناسبی برای شایعه و گمانه‌زنی ایجاد می‌کند.

پلیس و دستگاه قضایی می‌توانند با رعایت حقوق اشخاص و محدودیت‌های قانونی، اطلاعات ضروری درباره اصل حادثه، خسارت‌های احتمالی، نحوه رسیدگی و وضعیت پرونده را در اختیار افکار عمومی قرار دهند، اما به سیاق پرونده‌های مشابه در سمت اشتباه ماجرا قرار گرفتند. انتظار عمومی این است که هر فردی، فارغ از جایگاه و میزان شهرت در برابر رفتار خود پاسخ‌گو باشد.

ماجرای خیابان سنایی هنوز پرسش‌های بی‌پاسخی دارد، اما یک اصل اجتماعی روشن است؛ خیابان، ملک شخصی هیچ‌کس نیست و امنیت عمومی را نمی‌توان قربانی هیجان، بی‌احتیاطی یا احساس مصونیت کرد. شهرت ممکن است نام یک فرد را در صدر اخبار قرار دهد، اما آنچه اعتبار اجتماعی او را حفظ می‌کند، نه تعداد مخاطبان و فروش فیلم‌هایش، بلکه مسئولیت‌پذیری و احترام به حقوق دیگران است.

در نهایت، شهروندان در خیابان سنایی، نه برای گرفتن امضا، بلکه بنا بر روایت‌های منتشرشده برای متوقف کردن یک رفتار پرخطر وارد میدان شدند. این اتفاق فارغ از سرنوشت پرونده، یادآور این واقعیت است که در جامعه قانون‌مدار، هیچ نام و عنوانی نباید بالاتر از حقوق و امنیت مردم قرار گیرد.

قتل دختر معلول به دست پدر معتاد



آرمین بینا

مرد معتادی که دختر معلول ۱۰ ساله‌اش را به قتل رسانده و پس از جنایت متواری شده، پس از چند روز سرگردانی در پاتوق معتادان شناسایی و بازداشت شد. این مرد در بازجویی‌ها به قتل دخترش اعتراف کرد و مدعی شد نگهداری از او برایش دشوار بوده است.

چند روز قبل، زنی سراسیمه با مرکز فوریت‌های پلیسی و اورژانس تماس گرفت و برای نجات جان دختر ۱۰ ساله‌اش درخواست کمک کرد. دقایقی بعد، مأموران پلیس و امدادگران اورژانس راهی محل شدند، اما با پیکر بی‌جان دختری به نام آیلار روبه‌رو شدند که به طرز مشکوکی جان باخته بود.

مادر آیلار در توضیح ماجرا گفت: «شوهرم اعتیاد داشت و به همین دلیل از او جدا شدم. دخترم که دچار معلولیت بود، با پدرش زندگی می‌کرد و من هر چند روز یک‌بار به او سر می‌زدم. چند روزی بود از دخترم خبر نداشتم تا اینکه برای دیدنش به خانه همسر سابقم رفتم، اما با جسد او روبه‌رو شدم. از پدرش هم خبری نبود.»

فرار پدر پس از جنایت

با اعلام خبر مرگ مشکوک دختر ۱۰ ساله، بازپرس جنایی دستور بررسی موضوع را صادر کرد و کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را آغاز کردند. بررسی‌های اولیه پزشکی قانونی نشان داد آیلار بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن جان باخته و به قتل رسیده است.

از سوی دیگر، تحقیقات نشان داد پدر دختر پس از حادثه ناپدید شده است. به این ترتیب، مرد معتاد به‌عنوان مظنون اصلی پرونده تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه کارآگاهان روز گذشته او را در یکی از پاتوق‌های معتادان شناسایی و دستگیر کردند.

اعتراف به قتل دختر ۱۰ ساله

متهم پس از انتقال به اداره آگاهی، در جریان بازجویی‌ها به قتل دخترش اعتراف کرد و درباره انگیزه خود گفت: «دخترم معلول بود و نگهداری از او برایم سخت شده بود. مشکلات زیادی داشتم و توانایی تأمین هزینه‌های نگهداری از او را نداشتم.»

این مرد در ادامه گفت: «روز حادثه بر سر همین موضوع با دخترم درگیر شدم و در جریان درگیری او را به قتل رساندم. بعد از حادثه ترسیدم و فرار کردم. چند روزی در پاتوق‌های معتادان سرگردان بودم تا اینکه مأموران دستگیرم کردند.»

با اعتراف متهم، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ تحقیقات خود را برای روشن شدن جزئیات این جنایت و بررسی اظهارات پدر آیلار ادامه دادند. پیکر دختر ۱۰ ساله نیز برای انجام معاینات تخصصی و بررسی‌های تکمیلی به پزشکی قانونی منتقل شد.

اعتراف به قتل شوهر پس از شهادت همسایه

غلامرضا مسکنی

زن جوانی که پس از درگیری با شوهرش او را از بالکن خانه‌شان در طبقه دوم به پایین هل داده و به قتل رسانده بود، پس از مواجهه با شهادت یک شاهد عینی به قتل اعتراف کرد.

چندی قبل، ساکنان ساختمانی مسکونی در یکی از محله‌های جنوب تهران با شنیدن صدای مهیبی از خانه‌هایشان بیرون آمدند و با پیکر خونین مردی میانسال در محوطه ساختمان روبه‌رو شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد مرد از بالکن خانه‌اش در طبقه دوم به پایین سقوط کرده است.

لحظاتی بعد، همسر مرد در حالی که به‌شدت گریه می‌کرد، خود را به پیکر شوهرش رساند و مدعی شد او به‌دلیل نامعلومی از بالکن سقوط کرده است. با اعلام موضوع، تیمی از مأموران پلیس و نیروهای اورژانس در محل حاضر شدند و مرد مصدوم برای درمان به بیمارستان انتقال یافت، اما ساعاتی بعد خبر رسید حامد بر اثر شدت جراحات جان باخته است.

در حالی که تحقیقات درباره مرگ مشکوک مرد میانسال ادامه داشت، خانواده او تصمیم گرفتند اعضای بدنش را به بیماران نیازمند اهدا کنند. به این ترتیب، هفت عضو بدن حامد پس از انجام مراحل پزشکی به بیماران نیازمند اهدا شد و پیکر او پس از انجام آزمایش‌های لازم برای دفن به خانواده‌اش تحویل داده شد.

شهادت همسایه، راز سقوط مرگبار را فاش کرد

با اعلام مرگ مشکوک حامد، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را آغاز کردند. در نخستین مرحله، پروین، همسر متوفی تحت تحقیق قرار گرفت. او مدعی شد شوهرش به‌دلیل مشکلات مالی مدتی بود دچار افسردگی شده و چند بار نیز از تصمیم خود برای خودکشی صحبت کرده بود. با این حال، بررسی‌های کارآگاهان نشان داد حامد مشکلات مالی قابل توجهی نداشته و شواهدی نیز درباره افسردگی شدید او به دست نیامد. به همین دلیل، فرضیه خودکشی با تردید روبه‌رو شد و ظن مأموران به همسر وی افزایش یافت.



در ادامه تحقیقات، اظهارات یکی از شاهدان عینی مسیر پرونده را تغییر داد. این مرد در اظهاراتش گفت که لحظه حادثه متوجه صدای درگیری حامد و همسرش از داخل بالکن شده و دیده پروین پشت سر شوهرش قرار داشته و ناگهان او را به پایین هل داده است.

اعتراف پس از انکارهای اولیه

با توجه به شهادت شاهد، پروین بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت، اما در مراحل نخست اتهام قتل شوهرش را انکار کرد. با این حال، وقتی کارآگاهان او را با شاهد عینی روبه‌رو کردند، سرانجام به قتل اعتراف کرد.

این زن در اعترافاتش گفت که پس از درگیری با شوهرش، عصبانی شده و در اوج خشم او را از بالکن به پایین هل داده است.

نمی‌خواستم شوهرم را به قتل برسانم

پروین که به اتهام قتل شوهرش بازداشت شده، مدعی است قصد کشتن حامد را نداشته و تنها می‌خواسته با هل دادن همسرش، او را بترساند و از خود دور کند، اما این اقدام به مرگ شوهرش منجر شده است.

گفت‌وگو با متهم

به چه اتهامی بازداشت شدی؟

به اتهام قتل شوهرم.

چرا در ابتدا به قتل اعتراف نکردی؟

ترسیده بودم. می‌خواستم مأموران را فریب بدهم و وانمود کنم شوهرم خودش سقوط کرده، اما موفق نشدم.

با همسرت اختلاف داشتی؟

بله، البته اوایل زندگی اختلافی نداشتیم و زندگی خوبی داشتیم. شوهرم از اقوام مادری‌ام بود و ۲۲ سال قبل با هم ازدواج کردیم. آن زمان در روستا زندگی می‌کردیم و بعد برای کار به تهران آمدیم. ابتدا به‌عنوان سرایدار کار می‌کردیم و مشکلی با هم نداشتیم، اما به‌تدریج اختلاف‌هایمان شروع شد. شوهرم مرا حتی مقابل بچه‌هایمان که بزرگ شده بودند، کتک می‌زد.

از روز حادثه بگو، چه اتفاقی افتاد؟

حدود پنج ماه قبل، کافه‌ای در نزدیکی خانه‌مان راه انداختیم. فقط صبحانه می‌دادیم و شوهرم کافه را اداره می‌کرد و من هم به او کمک می‌کردم. شب قبل از حادثه، به‌خاطر همان اختلاف‌های قبلی مرا کتک زد. صبح روز بعد به کافه رفت و آنجا را باز کرد. من هم برای کمک رفتم، اما دوباره مرا کتک زد. به خانه برگشتم و وقتی او هم به خانه آمد، باز به جانم افتاد و آن‌قدر کتکم زد که بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم، دوباره با لگد مرا زد. خیلی عصبانی شده بودم. وقتی به بالکن رفت، او را هل دادم، اما اصلاً قصد کشتنش را نداشتم.

چرا از او طلاق نگرفتی؟

بارها درخواست طلاق دادم، اما قبول نمی‌کرد. از طرفی دوست نداشتم به خانه پدری‌ام برگردم، چون نگران حرف و حدیث‌های بعدی بودم و نمی‌خواستم خانواده‌ام به‌خاطر این موضوع تحت فشار قرار بگیرند.

الان با توجه به قتل شوهرت در انتظار قصاص هستی؟

بله، فکر می‌کردم باید قصاص شوم و منتظر اجرای حکم بودم، اما مادرشوهرم که از وضعیت زندگی من خبر داشت و می‌دانست قصد کشتن شوهرم را نداشتم، مرا بخشید و رضایت داد.

حرف آخر؟

خیلی پشیمانم. همیشه عذاب‌وجدان دارم و از اتفاقی که افتاده، ناراحتم. کاش آن روز خودم را کنترل می‌کردم و چنین اتفاقی نمی‌افتاد.

۷ کشته در ۵ تصادف مرگبار تهران

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ از وقوع پنج تصادف مرگبار با هفت کشته در پایتخت در هفته نخست آذرماه خبر داد و سرعت غیرمجاز، بی‌احتیاطی و رعایت نکردن اصول ایمنی را از عوامل مؤثر در این حوادث دانست.

به گزارش «جوان»، سردار سید ابوالفضل موسوی‌پور گفت: در پنج تصادف مرگبار هفته نخست آذرماه، دو راننده، دو سرنشین خودرو، دو راکب موتورسیکلت و یک عابر پیاده جان خود را از دست دادند. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد سرعت غیرمجاز و ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه، از عوامل وقوع برخی از این حوادث بوده است. در یکی از سوانح، برخورد خودرو با موانع حاشیه بزرگراه به مرگ راننده و دو سرنشین آن منجر شد. همچنین بی‌توجهی به جلو و اطراف، برخورد موتورسیکلت با عابر پیاده و سپس یک موتورسیکلت دیگر و واژگونی موتورسیکلت به دلیل تخطی از سرعت مطمئنه و استفاده نکردن از کلاه ایمنی، از دیگر حوادث مرگبار این هفته بود. در آخرین حادثه نیز برخورد یک خودروی سواری با عابر پیاده ۸۰ ساله در بزرگراه شهید همت، جان این شهروند را گرفت.

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ با اشاره به نقش خطای انسانی در وقوع این تصادفات، از رانندگان و سایر کاربران ترافیک خواست با رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، پرهیز از سرعت غیرمجاز و توجه به اصول ایمنی، از بروز حوادث مشابه و از دست رفتن جان شهروندان جلوگیری کنند.

یادداشت

محمدرضا هداوند سوری

چراغ روشن، حتی روز روشن

داشتن نور کافی هنگام رانندگی در شب و هنگام غروب یکی از اصول مهمی است که همواره پلیس راهور به آن توجه داشته، به طوری که هرگونه اختلال در این سیستم علاوه بر جریمه شدن راننده بی‌توجه می‌تواند به توقیف خودرو تا زمان رفع آن منجر شود، اما نکته‌ای که باید در خصوص برخی از وسایل نقلیه، خصوصاً موتورسیکلت مورد توجه قرار گیرد، روشنی چراغ جلو هنگام تردد در روز است تا عابران و خودروهای مقابل به راحتی آن را مشاهده کنند. همواره شاهدیم موتورسیکلت‌ها به دلایل خاموش بودن چراغ‌ها یا نقص سیستم روشنایی و دیده نشدن موجب بروز حادثه برای خود یا دیگران شده‌اند. از آنجا که این وسیله حمل‌ونقل در این روزها به دلیل شلوغی خیابان‌ها و ترافیک شدید طرفداران بسیاری را به سوی خود جلب کرده است. بنابراین برای بهتر دیده شدن از سوی رانندگان و عابران نیاز است همواره چراغ جلوی آن روشن باشد.

به گفته کارشناسان پلیس راهور فراجا، روشن بودن چراغ‌ها در روز می‌تواند باعث افزایش دید موتورسیکلت برای سایر کاربران راه شود و نقش مؤثری در کاهش حوادث ناشی از عدم رؤیت موتورسوار توسط خودروهای عبوری و عابران دارد.

البته در این میان باید به سه نکته علمی در خصوص دلیل اجبار به روشن بودن چراغ‌ها در روز از سوی پلیس توجه کرد، نکته اول مقابله با کوری ادراکی، چراکه رانندگان خودرو معمولاً در ترافیک به دنبال وسایل بزرگ‌تر شبیه خودشان می‌گردند. به این وضعیت «کوری ادراکی» می‌گویند. چراغی که در روز روشن است، این کوری ادراکی را کنار می‌زند و باعث می‌شود موتورسیکلت به‌عنوان یک منبع نور سریع‌تر در مغز پردازش و دیده شود.

نکته دوم، آسان کردن تشخیص فاصله و سرعت به‌ویژه در چهارراه‌هاست، چراکه هنگام ورود از خیابان فرعی به جاده اصلی یا برای وسایلی که خط عوض می‌کنند، تشخیص فاصله و سرعت موتورسیکلت روبه‌رو می‌تواند سخت باشد. چراغ روشن موقعیت و سرعت نزدیک شدن موتورسیکلت را خیلی روشن‌تر نشان می‌دهد.

و نکته سوم باید به مسئله آینه و نقطه کور اشاره کرد. موتورسیکلت‌هایی که در آینه‌های کناری یا نقطه کور رانندگان خودرو می‌مانند، یکی از بزرگ‌ترین خطرهای تصادف را می‌سازند. نور بازتابیده از چراغ در آینه عقب یا کناری راننده برق لحظه‌ای ایجاد می‌کند و هشدار حیاتی می‌دهد که در آن نقطه وسیله‌ای هست.

بررسی‌ها نشان می‌دهد روشن بودن چراغ‌ها در روز در بیشتر کشورهای اروپایی اجباری است، به‌طور مثال در کشور ترکیه هر موتورسوار در ترافیک، حتی وقتی هوا روشن است باید چراغ جلو را دائماً روشن نگه دارد، این فقط یک توصیه نیست، یک الزام قانونی است.

و این قانون شامل انواع موتورسیکلت از جمله اسکوتر می‌شود و با تکیه بر اصل «دیده شدن جان را نجات می‌دهد»، هدفش از بین بردن بزرگ‌ترین نقطه ضعف موتورسواران در ترافیک، یعنی کم‌دیدگی آنهاست.

هرچند در یکی، دو سال اخیر شرکت‌های مونتاژکننده انواع موتورسیکلت از سوی پلیس ملزم به رعایت روشن شدن چراغ‌های جلوی موتورهای تولیدی از زمان استارت زدن یا هندل خوردن تا زمان خاموش کردن این وسیله نقلیه شدند، اما در حال حاضر اکثر این وسایل نقلیه که در سال‌های قبل مونتاژ شده‌اند، فاقد این سیستم بوده و نیاز است راکبان برای حفظ جان خود و دیگران خود را ملزم به روشن کردن چراغ‌های جلو در هنگام رانندگی کنند تا حوادث رانندگی که روشن نبودن چراغ در آن نقش مهمی دارد به حداقل ممکن برسد.

راز گنجینه «ملکه انگلیس» در مخفیگاه سارق بالکن‌رو

رئیس پلیس آگاهی استان مازندران از دستگیری یک سارق حرفه‌ای منزل به شیوه «بالکن‌روی» و کشف مجموعه‌ای از طلا و سکه‌های تاریخی یادبود به ارزش ۷ میلیارد تومان در مخفیگاه او خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کارآگاه سامع خورشاد، رئیس پلیس آگاهی استان مازندران گفت: در پی وقوع سرقت از منزلی در منطقه خوش‌نشین خط دریا، کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی، هویت سارق را شناسایی و در عملیاتی ضربتی او را در مخفیگاهش دستگیر کردند. وی با اشاره به کشف اموال مسروقه در بازرسی از مخفیگاه متهم افزود: در میان طلاهای کشف‌شده، انواع سکه از جمله سکه‌های ضرب‌شده در انگلستان با تصویر ملکه، سکه یادبود اجلاس کشورهای اسلامی و سکه‌های مربوط به مناسک حج وجود داشت. بررسی‌های تکمیلی پرونده به شناسایی فردی منجر شد که در زمینه خرید اموال مسروقه فعالیت داشت. براساس اعترافات متهم، حدود ۴ میلیارد تومان از طلاهای سرقتی از طریق واسطه به این فرد تحویل داده شده است.

کلید سرقت طلایی در دست پرستار خانگی

زنی که پیش‌تر به‌عنوان پرستار در خانه‌ای در شهرک غرب رفت‌وآمد داشت، به اتهام سرقت مقدار زیادی طلا، سکه و ارز از منزل صاحبخانه پس از خروج وی از کشور، دستگیر شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ محمد افشار، سرکلانتر دوم پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: همزمان با شکایت صاحبخانه و مراجعه وی به کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس، مشخص شد پس از بازگشت به کشور، متوجه سرقت اموال باارزش خود از منزل شده است. بررسی‌های پلیسی نشان داد سرقت بدون تخریب در ورودی خانه انجام شده است. مأموران با بازبینی دوربین‌های مداربسته و بررسی مسیرهای تردد، به زنی مظنون شدند که پیش‌تر به‌عنوان پرستار به خانه شاکی رفت‌وآمد داشته است. به گفته افشار، مأموران پس از شناسایی مخفیگاه متهم و دریافت هماهنگی قضایی، در عملیاتی او را دستگیر کردند. متهم در جریان بازجویی‌ها اعتراف کرده که با سوءاستفاده از اعتماد صاحبخانه و اطلاع از محل نگهداری اموال، از کلید منزل کپی تهیه کرده و پس از خروج صاحبخانه از کشور، با استفاده از آن وارد خانه شده و اموال را سرقت کرده است. براساس اعلام پلیس، متهم همچنین مدعی شده اموال مسروقه را به یکی از استان‌های جنوبی کشور منتقل کرده و فروخته است. برای این زن، پرونده قضایی تشکیل شده و تحقیقات برای بررسی ابعاد دیگر پرونده، شناسایی احتمالی اموال مسروقه و روشن شدن جزئیات سرقت ادامه دارد.